



به نام خدا  
دبستان پسرانه (شعبه ی شرق ۲)  
جزوه ی فارسی چهارم درس دوم (کوچ پرستوها)  
نام آموزگار: خانم سلاجی

علوی



علوی دانش زبانی:

علائم نگارشی در متن به ما کمک می کنند تا درست بنویسیم و درست بخوانیم. این نشانه ها فقط در نوشتار می آیند.

- نکته: به کوچک ترین بخش که معنی و مفهوم مشخصی را می رساند، جمله می گویند.

مثال: من خوابیدم.

مثال: او پس از صبحانه!!! ← کلمات فوق دارای معنی و مفهوم مشخصی نیست؛ بنابراین جمله نیست.

- انواع جمله عبارت است از:

۱. جملات خبری: جمله هایی که خبری می رسانند؛ در آخر جملات خبری نقطه ( . ) می گذاریم.

مثال: احمد آمد. ← خبر آمدن احمد را می گوید.

۲. جملات پرسشی: در این جملات یک پرسش وجود دارد. در پایان این جملات علامت سؤال ( ؟ )

می گذاریم.

مثال: به کجا چنین شتابان؟

۳. جملات امری: این جملات حاوی دستور هستند. به دیگران امر و نهی کردن.

مثال: علی کتاب را بخوان.

۴. جملات عاطفی: جملاتی که احساسات را بیان می‌کند. ( خشم، شادی، نفرت، هیجان، تعجب و... )

در پایان جملات عاطفی علامت تعجب (!) می‌آید.

مثال: چقدر زیباست!

۵. شبه جمله: کلمه یا گروهی از کلمات است که برای بیان حالات عاطفی ( تحسین، تأسف، شادی،

تعجب و...)؛ بعد از شبه جملات علامت تعجب می‌آید.

مثال: آه! متأسفم!      به به! چه شگفت انگیز!

۶. منادا و ندا:

حرف ندا: کلمه ای است که برای صدا زدن کسی به کار برده می‌شود و منادا کلمه ای است که آن را

صدا می‌زنیم و مورد خطاب قرار می‌دهیم.

مثال: ای دوست!

ای: حرف ندا      دوست: منادا

مثال: یا علی!

یا: حرف ندا      علی: منادا

نکته: گاهی به کار بردن حرف ندا لازم نیست. برای مثال: خواهر!      یا برادر!      یا خدا! و...

حروف ندا عبارتند از: ای، یا، آیا، آیها و حرف الف که بعد از منادا می‌آید.

مثال: خدایا!      خدا منادا و الف آخر خدا حرف ندا است.

سعدیا!      حافظا!

• نکته: اگر جمله ای یک کلمه ای باشد آن کلمه حتما فعل است. (جمله بدون فعل کامل نیست.)

• آشنایی با علائم نگارشی:

با علامت های نقطه، علامت تعجب و علامت سؤال آشنا شدید؛ برخی علائم دیگر عبارتند از:

• دوتقطه: ( : ) زمانی که از زبان کسی کلامی را بیان می کنیم؛ می آید و آن صحبت که از شخص

دیگر نقل شده است؛ داخل گیومه ( « » ) قرار می گیرد.

مثال: سعدی می گوید: « میازار موری که دانه کش است ».

علامت ویرگول: ( ، ) یا درنگ نما، این علامت نشانه ی درنگ یا مکث کوتاه در خواندن است، شیوه ی خواندن را تغییر می دهد و گاهی معنا را هم تغییر می دهد و باعث می شود جمله ها را درست بخوانیم و معنی جمله را درک کنیم.

مثال: به تفاوت معنای جملات زیر دقت کنید:

الف: معلّم محمّد، از مدرسه رفت. ← در این جمله از معلّم محمّد و رفتن او خبر می دهد.

ب: معلّم، محمّد از مدرسه رفت. ← در این جمله از محمّد و رفتن او خبر می دهد.

• نقطه ویرگول: ( ؛ ) برای مکثی بیشتر از ویرگول و کم تر از نقطه به کار می رود. قبل از برخی از

حروف ربط که در آینده خواهید خواند نقطه ویرگول می آید.

مثال: ایرانیان در برابر تورانیان پایداری می کردند؛ اما پیروزی بر آنان بسیار مشکل بود.

دانش آموزان عزیزم، زمان نوشتن متن به علائم نگارشی خیلی دقت کنید؛ چرا که در

خواندن و درک صحیح مطالب به ما کمک بسیاری می کنند.

- ضرب‌المثل: گاهی عبارت‌هایی در بین مردم رایج می‌شوند که در بردارنده‌ی نکته و پیامی هستند؛ به این عبارت‌ها «مَثَل» یا «ضرب‌المثل» می‌گوییم. مَثَل‌ها بخشی از فرهنگ مردم یک کشور هستند که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. وقتی مَثَل‌ها را می‌شنویم؛ نباید به معنای ظاهری آن توجه کنیم.
- هر ضرب‌المثل یک معنای دور دارد، مثلاً وقتی می‌گوییم: یک دست صدا ندارد؛ یعنی باید مردم با هم متحد باشند تا به موفقیت برسند.
- نکته: گاهی اوقات ضرب‌المثل‌ها به صورت یک مصراع یا یک بیت است.

مثال: درنومیدی بسی امید است      بامان شب‌سید است

- بیت: در لغت به معنی خانه است؛ بیت واحد شعر است که از دو مصراع تشکیل شده است.
  - مصراع: هر بیت شامل دو قسمت است؛ هر یک از این بخش‌ها مصراع نام دارد. مصراع کم‌ترین مقدار شعر است.
- مثال:
- نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود (یک مصراع)  
 مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد (یک مصراع)
- بیت
- قافیه: به واژه‌های هم‌آوا، هم‌آهنگ، هم‌وزن و دارای حروف مشترک که آخر مصراع و گاهی قبل از ردیف می‌آیند قافیه می‌گویند.
  - ردیف: به یک یا چند واژه‌ی یکسان که در آخر مصراع‌ها تکرار می‌شوند؛ ردیف می‌گویند.
- مثال: ساربان آهسته‌رو کارام جانم می‌رود      قافیه ردیف  
 وان دل که با خود داشت با دلستانم می‌رود      قافیه ردیف
- ردیف: می‌رود. قافیه: جانم و دلستانم.